

آیا اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم یک عملیات مرکب بود؟

سید ناصر حسینی^۱

چکیده

کشور عزیزمان ایران در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ با تهاجم نیروهای شوروی سابق از شمال و انگلیس از جنوب به اشغال نیروهای متجاوز در آمد و این مقاله درصدد پاسخ به این سوال می باشد که آیا عملیات نظامی اشغال ایران توسط ارتش‌های انگلیس و شوروی یک عملیات مرکب بود یا خیر؟ عملیات مرکب به عملیاتی گفته می شود که نیروهای نظامی یا ارتش‌های بیش از یک کشور و ملت، تحت فرماندهی واحد در آن شرکت داشته باشند. با بررسی اسناد و مدارک موجود می توان ثابت نمود که عملیات اشغال ایران در جنگ جهانی دوم توسط ارتش‌های شوروی سابق و انگلیس اولاً به صورت کاملاً هماهنگ و منسجم و از قبل طراحی شده و به عنوان یک عملیات مرکب بود. و ثانیاً فرماندهی واحد و حساب شده ای از سوی نیروهای انگلیسی به روح این عملیات حاکم بوده است و احتمالاً عدم اعلام رسمی آن به دلایل خاصی از جمله پیشگیری از بروز تنش بین دو کشور که هم به عنوان همکار و متحد و هم به عنوان رقیب یکدیگر مطرح بوده اند می باشد.

واژگان کلیدی:

عملیات مرکب جنگ جهانی دوم، اشغال نظامی، فرماندهی واحد، اسناد نظامی، متفقین، تهاجم

مقدمه

جنگ جهانی دوم در اول سپتامبر ۱۹۳۹ / دهم شهریور ۱۳۱۸ با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. هیتلر با اطمینان از پیمانی که در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۳۹ / اول شهریور ۱۳۱۸ بین آلمان و شوروی منعقد و توسط رین تروپ و مولوتف، وزیران خارجه دو کشور، امضا شده و عملاً بی طرفی شوروی را موجب گردیده بود و علیرغم تضمینی که از فرانسه و انگلیس جهت در اختیار داشتن دالان دانتزیک گرفته بود، به لهستان حمله کرد و در اندک مدت آن سرزمین را تصرف و ضمیمه خاک آلمان کرد. شوروی نیز از این فرصت بهره جست و آن ایالت‌های لهستان را که همسایه‌اش بودند ضمیمه خاک خود اعلام کرد. شوروی همچنین کشورهای منطقه بالتیک را به شناسایی تقسیم لهستان و عقد قراردادهای دوستی با آلمان و پیمان عدم تجاوز با شوروی واداشت. اما انگلیس و فرانسه زیر بار این تحولات نرفتند و در سوم سپتامبر / دوازدهم شهریور رسماً علیه آلمان وارد جنگ شدند. از آن پس کشورهای دیگر در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا به تدریج به سود کشورهای محور و یا متفقین وارد جنگ ویرا نگری شدند که نزدیک به شش سال تداوم یافت و طی آن صرف نظر از هزینه‌ها و ویرانی‌ها و تنگناها و پاره‌ای دشواری‌های دیگر، نزدیک به سی و هشت میلیون انسان جان باختند.

هیتلر پس از تصرف لهستان متوجه کشورهای بالتیک شده و در اندک مدتی دانمارک و نروژ را تصرف نمود و سپس ارتش او راهی بلژیک، لوکزامبورک و هلند گردید و خیلی زود به پیروزی‌های سریع در شمال غربی اروپا دست یافت و فرانسه را به اشغال خود درآورد و در هشتم اوت ۱۹۴۰ نیروی هوایی آلمان شروع به بمباران لندن و سایر شهرهای صنعتی انگلستان کرد؛ لیکن این حملات هوایی نتوانست انگلستان را به زانو درآورد. اما در جبهه شرق اروپا دست اندازی هیتلر بر سرزمین‌های اطراف رود دانوب سرانجام استالین را از خواب غفلت بیدار کرد و وضعیت عدم تجاوز بین دو



کشور جای خود را به کشمکش جنگی داد که در ابتدای آن نیروهای هیتلر با حمله های برق آسا شکستهای سختی بر قوای شوروی وارد آوردند و تا نزدیکی مسکو پیش رفتند. ورود شوروی، همسایه شمالی ایران، به جنگ علیه آلمان و قرار گرفتن آن در کنار فرانسه و انگلیس دگرگونی های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار در همه جهان و مخصوصاً در ایران به دنبال داشت. از طرفی تصمیم انگلستان و ایالات متحده مبنی بر ادامه جنگ در کنار روسیه شوروی ایجاب می کرد که کمک های نظامی و مواد خام لازم برای صنایع جنگی شوروی را به این کشور تحویل دهند. انگلستان و ایالات متحده آمریکا در ضمن خود مسئولیت حمل این کمک ها را به مرزهای شوروی تقبل کرده بودند. در آن زمان این کمک ها می توانستند از راه های زیر به روسیه حمل شوند:

- ۱) از طریق مورمانسک و آرخانگلسک
- ۲) از طریق ولادی وستک
- ۳) از طریق دریای سیاه و استفاده از بغازهای بسفر و داردانل
- ۴) از طریق هندو افغانستان
- ۵) از طریق ایران

متفقیین پس از تجزیه و تحلیل معابر فوق معبر ایران را مناسب ترین راه کمک رسانی به روسیه شوری تشخیص دادند. اهمیت این راه با توجه به وضعیت و موقعیت سوق الجیشی ایران حتی بیشتر از آن است که در وهله اول به نظر آید. این راه از هر خط ارتباطی دیگر دارای امنیت بیشتری بود، هم مرز بودن هندوستان با ایران که منبع اصلی نیروی انسانی و کالای مورد استفاده انگلستان بود، سبب می شد که مقدار زیادی از ظرفیت کشتیها برای حمل و نقل نیروها و کالاهای دریافت شده از هند به خاطر وجود راه زمینی از هندوستان به روسیه از طریق ایران صرفه جویی شود. به علاوه با استفاده از ایران به صورت پللی جهت فرستادن کمک به روسیه شوروی ، امکان گسیل سریع

نیروهای هوایی متفقین برای تقویت جبهه شوروی نیز از طریق ایران وجود داشت. وجود راه آهن سراسری و راه شوسه که خلیج فارس را به مرزهای شوروی متصل می کرد، امکان فرستادن کالا را بطور مطمئن و بدون خطر نابودی توسط نیروهای دشمن، به روسیه شوروی ممکن می ساخت.

چرچیل این موضوع را چنین مورد تأکید قرار می دهد:

« اشکالات و دشواری های عظیمی که حمل انواع کالا و تدارکات نظامی به روسیه شوروی ، از طریق راه آرخانگلسک، وجود داشت و به خصوص امکان سوق الجیشی آتی، باعث شد که فرستادن این کمکها از طریق ایران به روسیه شوروی بطور خارق العاده ای مورد توجه قرار گیرد» (الهی، ۱۳۶۵ صص ۱۰۷)

۲- اوضاع داخلی ایران در زمان جنگ جهانی دوم

ایران در جهت عمرانی تعداد زیادی از متخصصان غربی بویژه آلمانی را به منظور تأسیس کارخانه، راه آهن و امور اداری به استخدام در آورده بود که جنگ در اروپا آغاز شد. البته ایران از همان ابتدا رسماً اعلام بی طرفی کرد؛ اما بیطرف ماندن عملاً غیر ممکن بود. شوروی که در جبهه جنگ شکست خورده بود، در جبهه تبلیغاتی بسیار نیرومند ظاهر شد و با برخورداری از بیش از دوهزار کیلومتر مرز مشترک با ایران و نیز سابقه علاقه های بازگانی، قومی و زبانی همواره در کار تحریک و توطئه بود، ترکیه که هنوز خاطره شکست و تجربه در جنگ جهانی اول تحت قیومت انگلیس قرار گرفته بود به پایگاه عملیاتی و تحرکات انگلیس در خاورمیانه تبدیل شد. خلیج فارس و سواحل جنوبی آن بطور در بست در حیطه فعالیت و نفوذ انگلیس قرار داشتند. هند که هنوز یکپارچگی خود را حفظ کرده بود و همچون معدن عظیمی از ذخایر انسانی و مالی یکسره در چنگ انگلیس گرفتار بود و در افغانستان نیز حکومت دست نشانده انگلیس بر سر کار بود. بدین ترتیب ایران از چهار طرف گرفتار و محصور بود و کمترین راه فراری

نداشت. اما از نظر داخلی نیز موقیت بهتری برخوردار نبود. به این ترتیب که رضاخان با اراده و پشتیبانی انگلیس به قدرت رسیده بود و یکی از سخت‌ترین و دهشت‌آورترین حکومت‌های استبدادی را که تا آن زمان ایران به خود دیده بود، بر مقدرات کشور حاکم کرده بود.

او به دلایل مختلف، تغییرات بسیاری در همه شئون کشور مخصوصاً در بعد مذهبی پدید آورد و کوشید تا این سرزمین را در جهت خواسته اجانب قالب بندی کند. اما این تلاش‌ها، واکنش‌های مخالف و بازدارنده‌ای در میان عموم مردم از عالم و عامی، روشنفکر و روحانی، بازاری و کارگر برانگیخت و سبب شد تا فرمانروای مستبد ایران زمین باطناً فاقد هرگونه پایگاه اجتماعی و مردمی باشد. در واقع هر اقدامی که رضاشاه در طول بیست سال سیطره مطلق خود در ایران انجام داد، در نهایت به زیان او تمام شد و نتیجه وارونه داد و هنگامی که جنگ در اروپا در گرفت دیگر در جایگاهی نبود که بتواند مملکت را حفظ کند و یا دست کم تاج و تخت خویش را نگاه دارد.

تهاجم آلمان به شوروی، بدون مداخله متفقین، ممکن بود به همان نتایج برسد که طی دو قرن گذشته از تهاجم نیروهای خارجی به دست آمده بود، یعنی با رها کردن سرزمین‌های سوخته در دست دشمن و گرفتار کردن او به دست سرمای سوزان و وحشت‌انگیزی که تا آن هنگام هر مهاجمی را در هم کوبیده و از پای درآورده بود. اما انگلیس جز این در سرداشت و می‌خواست که با انتقال جبهه جنگ از غرب اروپا به شرق، خطر را از خود دور کند و شوروی را هرچه بیشتر به ورطه جنگ بکشاند. به همین دلیل پس از هم پیمانی با شوروی، کشورهای هم پیمان خود را به ارسال کمک‌های غذایی و تسلیحاتی به شوروی تشویق کرد. ایران بهترین، نزدیک‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر کمک رسانی به شوروی بود. اما ایران چنانچه گفته شد از همان آغاز جنگ اعلام

بی‌طرفی کرده بود و این بی‌طرفی نمی‌توانست بدون دلیل و بهانه نقض شود. و بدین ترتیب متفقین به بهانه‌هایی واهی از قبیل حضور جاسوسان آلمانی در ایران متوسل شدند و به اشغال غیرقانونی کشورمان مبادرت ورزیدند.

رضا شاه در ابتدا تصمیم به مقاومت گرفت؛ اما چنانچه اشاره شد او فاقد ناچیزترین پایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کشور بود و نارضایتی عمومی از سیاستها و عملکرد او به هنگام برکناری‌اش امری مسلم بود، به همین دلیل، تهاجم بیگانگان و ورود نیروهای شان به خاک کشورمان، به مانند اشغال عراق در زمان حاضر از سوی آمریکا، با کمترین مقاومتی روبرو گردید. چراکه نهادهایی که قبل از آن امیدی به ایستادگی و مقاومت‌شان بود از صحنه حذف و یا به انزوا کشیده شده بودند. سرکوب لرها، کردها، قشقایی ها، بلوچ ها، بختیاری ها و ... خلع سلاح و کوچ اجباری و اعدام سران قبایل، بستر حداقل پایداری را خشکانده بود.

۳- اشغال ایران:

اشغال ایران در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ خیلی سریع و آسان تحقق یافت و با تهاجم نیروهای شوروی از شمال و نیروهای انگلیسی از جنوب شکل عملی به خود گرفت. ما در این نوشتار قصد داریم موضوع اشغال ایران از سوی متفقین را از بعد نظامی بررسی کرده و به این سوال پاسخ گوئیم که آیا عملیات اشغال ایران یک عملیات مرکب بود؟

لذا برای بررسی این موضوع، ابتدا در تعریف، عملیات مرکب به عملیاتی گویند که نیروهای نظامی یا ارتش‌های بیش از یک کشور و ملت تحت فرماندهی واحد در آن شرکت داشته باشند. حال با گزینش اسناد نظامی از میان اسناد تاریخی بازمانده از جنگ جهانی دوم، به توصیف این عملیات پرداخته، سپس نسبت به مقایسه آن با مصداق‌های مربوطه می‌پردازیم.

حسین مکی در کتاب تاریخ بیست ساله ایران جلد هفتم اوضاع و تحرکات مرزی را در روزهای قبل از شهریور ۱۳۲۰ چنین توصیف می کند:

"در این اوقات گزارش‌هایی از مرزهای ایران و عراق می رسید حاکی از این که قوای نظامی به سوی بعضی از نقاط مرزی در جنوب غربی ایران سوق داده می شوند و چون از سفارت انگلیس علت و کیفیت این اقدام‌ها و حرکات پرسیده می شد جوراب می دادند که این قوا سرگرم تمرین هستند تا برای جبهه‌های جنگ آماده شوند. در نقاط مرزی آذربایجان نیز حرکات نظامی مشاهده می شد که شوروی‌ها نیز آنها را با کارهای تمرینی و نیازهای نظامی داخلی مربوط می کردند. این کارها در مجموع فکر دولت را نگران می داشت از این که شاید همسایگان مقاصدی دارند و لیکن نه طی مذاکراتی که در میان بود و نه در دو تذکاریه‌ای که داده بودند به هیچ وجه به تقاضای راه برای حمل و نقل مهمات به شوروی یا تهدید به اینکه احیاناً متوسل به قوه قهریه خواهند شد اشاره‌ای نشده بود بلکه همه مذاکرات و نکات تذکاریه‌ها به صورتی ساده و سیاسی می گذشت.

وینستون چرچیل نخست‌وزیر وقت انگلیس در خاطرات خود، دلایل اشغال ایران را، ابتدا تصرف چاه‌های نفت و سپس پیشروی در ایران با کمک روسها و کنترل راه‌های ارتباطی کشور برای برقراری ارتباط با دریای خزر ذکر کرده و چگونگی اشغال را چنین بیان می دارد:

"پالایشگاه آبادان در سحرگاه ۲۵ اوت، ۳ شهریور توسط یک تیپ پیاده که با کشتی های جنگی از بصره حرکت کرده بودند تصرف شد. اکثر قوای ایران در این منطقه غافلگیر شدند ولی به وسیله کامیون موفق به فرار گردیدند. در خیابان‌ها زد و خوردی بین قوای ما و قوای ایران روی داد و چند کشتی جنگی ایرانی اسیر شدند. در همان وقت واحدهای دیگری از لشکر هشتم از راه زمین، خرمشهر را تصرف کردند و قسمتی از این

واحد به طرف شمال برای تصرف اهواز حرکت نمودند. نیروهای ما هنگامی به اهواز رسیدند که شاه فرمان آتش بس داده بود. ژنرال ایرانی که فرمانده قوای اهواز بود، به نیروهای خود دستور داد که به سربازخانه‌ها بازگردند. چاه‌های نفت در شمال به سهولت تصرف شد و ژنرال اسلیم در راه کرمانشاه چهل و پنج کیلومتر پیشروی کرد. در اینجا به گردنه خطرناک پاتاق رسیدند و اگر ایرانی‌ها در آنجا مقاومت می‌کردند قوای ما مدت نامحدودی در آنجا متوقف می‌ماند. یک ستون اعزام شد تا این گردنه را از جنوب دور بزند. این ستون پس از برخورد با مقاومت مختصری در ۲۷ اوت / ۵ شهریور به شاه‌آباد واقع در پشت خط دفاع ایرانی‌ها رسید.

این مانور که با چند بمباران هوایی همراه بود، که اراده مقاومت مدافعین را در هم شکست و با عجله مواضع خود را در گردنه پاتاق ترک کردند. پیشروی به طرف کرمانشاه ادامه یافت. در ۲۸ اوت / ۶ شهریور نیروهای ما خود را با قوای دشمن که راه را سد کرده بودند مواجه یافتند، اما در همان لحظه که قوای ما می‌خواستند حمله کنند یک افسر ایرانی با پرچم سفید پیش آمد و نبرد خاتمه یافت. تلفات ما فقط ۲۲ نفر کشته و ۴۲ نفر زخمی بود. به این ترتیب عملیات نظامی کوتاه و متعددی که به وسیله قوای نیرومندی علیه یک دولت ضعیف و پیر شروع شده بود پایان پذیرفت. بریتانیای کبیر و روسیه به خاطر حیات خود مبارزه می‌کردند و در جنگ همه چیز مجاز و قانونی است. باید خوش وقت باشیم که پیروزی ما استقلال ایران را محفوظ نگاه داشت.

با نگاهی دیگر به اسناد و مدارک باقیمانده روشن می‌شود که حمله شوروی نیز همزمان از هوا و زمین و دریا آغاز شد، به این ترتیب که نیروی هوایی شوروی در ساعت ۵/۳۰ دقیقه بامداد سوم شهریور ۱۳۲۰ شهرهای تبریز، اردبیل، اهر، مشکین شهر، سراب، مرند، مراغه، زنجان و خلخال را بمباران کرد و روی این مناطق اوراق تبلیغاتی

فراوان به زبان‌های روسی، ترکی و فارسی پخش کرد. هدف‌های عده این بمباران که در شب بعد نیز ادامه یافت و نتایج حاصل از آن عبارت بود از: بمباران هنگ هوایی که در نتیجه آن قرارگاه موقتاً از حیز ارتفاع ساقط شد. بمباران سربازخانه آتشبار ضد هوایی که در نتیجه آن ساختمان‌ها ویران شد اما به توپ‌ها، وسایل و خدمه آسیبی نرسید. بنا بر گزارشی که در حدود ساعت هشت صبح سوم شهریور به لشکر سوم آذربایجان رسید ستونی از تانک‌ها و زره‌پوشها و کامیون‌های حامل توپ و نفر از گرگر به طرف دره دیز عبور کرده و ارتباط زمینی و تلگرافی با جلفا را قطع کرد؛ همچنین ارتباط لشکر سه با کلانتر مرز جلفا قطع شد اما ارتباط تلگرافی با لشکر ۱۵۴ هنوز برقرار بود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که نیروهای اشغالگر شوروی و انگلیس بر اساس توافق و تبنانی قبلی همزمان وارد خاک ایران شدند و عملیات اشغال را آغاز کردند. در سندی دیگر چنین آمده است؛ حمله قوای روس و انگلیس به خاک ایران از مدت‌ها قبل طرح‌ریزی شده بود. این واقعه در سحرگاه سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ مطابق با ۲۵ وات ۱۹۴۱ میلادی رخ داد. ساعت چهار بامداد سوم شهریور سفیر اتحاد جماهیر شوروی و وزیر مختار انگلیس در تهران به دیدار علی منصور نخست‌وزیر وقت رفتند و طی یادداشت‌های مشابهی به دولت ایران اعلام کردند که ارتش دو دولت از مرزهای ایران گذشته اند. ارتش شوروی از سه جهت در سه ستون وارد ایران شد. ستون اول از محور جلفا در جهت تبریز حرکت کرد. ستون دوم از راه آستارا به سوی پهلوی (انزلی) و رشت به پیشروی پرداخت. ستون سوم به ناحیه مرزی شمال شرقی خراسان هجوم برد. در این تهاجم مراکز مهمی مانند تبریز و مشهد و شهرهای ساحلی دریای خزر، تحت اشغال ارتش شوروی در آمدند و سرانجام روز ۹ شهریور ارتش‌های شوروی و انگلیس در قزوین به یکدیگر ملحق شدند. در این عملیات نیروهای دریایی و هوایی نیز شرکت داشتند. روز ۳ شهریور نیروی دریایی شوروی در دریای خزر، بندر انزلی را به گلوله بست. همچنین نیروی هوایی

شوروی چندین شهر ایران مانند تبریز و انزلی و همدان و قزوین و مشهد و روز ۹ شهریور حومه تهران را بمباران کرد.

قوای بریتانیا در قسمت آبادان عبارت بود از لشکر هشتم پیاده نظام هندی به فرماندهی «ژنرال هاروی» در منطقه خانقین، تیپ نهم زرهی و یک هنگ ارابه جنگی هندی و چهار گردان انگلیسی و یک هنگ توپخانه انگلیسی که همگی تحت فرماندهی ژنرال اسلیم بودند. نیروی هوایی انگلیس پشتیبان این واحدهای جنگی بود. اولین هدف نیروهای جنگی انگلیس مناطق نفت خیز و دومین هدف، پیشروی در خاک ایران و به دست گرفتن خطوط ارتباطی ایران بود.

ارتش انگلیس از دو جهت به سمت ایران پیشروی کرد. یک ستون از راه خانقین وارد ایران شد و از طریق کرمانشاه و همدان خود را به قزوین رساند. ستون دوم نیز از خاک عراق به ناحیه جنوب غربی خوزستان هجوم آورد. عملیات دریایی انگلیس بیشتر در بندر شاهپور صورت گرفت و هشت فروند کشتیهای مستقر در بندر به دست قوای انگلیس افتاد. نیروهای هوایی انگلیس هم چند هدف نظامی را در اهواز بمباران کرد.

سند دیگری که متن تلگراف وزارت امور خارجه به سفارت ایران است در لندن هماهنگی کامل دو دولت انگلیس و شوروی را در حمله به ایران، چنین بیان می کند:

"پس از تشدید جنگ و ورود دولت شوروی به جنگ، نمایندگان دولتی روس و انگلیس از پنج ماه قبل به دولت شاهنشاهی ایران فشار آوردند که آلمانها از ایران اخراج شوند. راست است که دولت نظر به رویه بیطرفی خود، انجام این امر را مشکل می دید؛ اما چون در یکی از یادداشتهای خود توسل به قوای نظامی را اخطار کردند؛ دولت حاضر شد به تدریج آلمانها را از ایران خارج کند. ولی در سوم شهریور بدون اطلاع قبلی ناگهان قوای دولتی روس از شمال و جنوب به ایران سرازیر و شهرها را بمباران و خسارات زیادی وارد کردند. دولت سابق برای جلوگیری از خونریزی فوراً امر به ترک مقاومت داده و از دولتی روس خواستار شد که اگر پیشنهادی دارند بدهند.

نمایندگان دولت‌ها نامه‌های متحد المضمونی را دادند که خلاصه آن به قرار زیر است: تامین استقلال ایران، استقرار قشون آنها در ایران، در جنوب به وسیله انگلیسی‌ها در امتداد خطی که از خانقین، کرمانشاهان، خرم‌آباد، مسجد سلیمان، گچساران گذشته و به بندر دیلم خاتمه می‌یابد. در قسمت شمال روس‌ها در خطی که از اشنویه، حیدرآباد، میانج، زنجان، قزوین، خرم‌آباد، بابل، زیراب، سمنان، شاهرود و علی‌آباد بگذرد قوا مستقر و دولت شاهنشاهی ایران حق نداشته باشد تا خاتمه جنگ در آن نقاط قوای نظامی نگهدارد. خروج اتباع آلمان؛ دادن راه برای حمل و نقل ادوات به روسیه، تسهیل وسایل حمل و نقل."

سند دیگری که گزارش جامعی است از برنامه ریزی اشغال ایران و چگونگی عملیات نظامی که توسط ژنرال سر آرچیبالد ویول فرمانده کل نیروهای انگلیس در هند تنظیم شده است که ماهیت این عملیات را بیش از پیش روشن می‌سازد. این گزارش از جامع‌ترین اسناد به جای مانده نظامی از چگونگی اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ است و از جهات مختلف همچون چگونگی آرایش نظامی نیروهای متفقین پیش از حمله به ایران، شرح دقیق یورش قوای انگلستان به داخل مرزهای ایران و کیفیت برخورد ارتش ایران با نیروهای متجاوز درخور توجه است. اگرچه بازگو کردن این قطعه از تاریخ معاصر ایران خاطرات تلخی را در ذهن هر ایرانی مروری می‌کند اما ظرایف موجود در این گزارش که با ادبیات نظامی و به صورت گزارش نوبه‌ای عملیاتی نگاشته شده است خالی از فایده نبوده و هر خواننده‌ای مطابق با ذوق و سلیقه و تخصص و قابلیت‌های حرفه‌ای خود از آن بهره‌برداری می‌نماید. از طرفی در شرایط فعلی جهان که باز ابر قدرت‌ها به فکر اشغال‌گری و تحمیل اراده خود بر ملل ضعف‌تر افتاده‌اند، یادآوری این قبیل خاطرات و مراجعه به تاریخ مشابه در جنگ جهانی دوم مفید به نظر می‌رسد لذا به همین جهت ترجمه این گزارش که از یک منبع رسمی و دست اول نقل شده در این قسمت درج می‌گردد. البته محققین و تاریخ‌نویسان دیگری به نوبه خود به این موضوع مهم (اشغال ایران)، توجه کرده‌اند و از آن جمله است کتاب «در آخرین

روزهای رضا شاه، تهاجم روس وانگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰ که توسط ریچارد. ا. استوارت افسر نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا که به شیوه تحقیقی، آن را نگارش کرده است وبا همه روانی و سلیس بودن متن ترجمه آن؛ لیکن متن سندی که توصیف شده در پی خواهد آمد بر آن ارجعیت دارد. تاریخ گزارش ۱۸ اکتبر ۱۹۴۲/۲۶ مهر ۱۳۲۱ ثبت شده است؛ اما به دلیل آنکه به وقایع شهریور ۱۳۲۰ و اشغال نظامی ایران مربوط می شود در این قسمت نقل می گردد. شایان ذکر است در متن انگلیسی بندهای یک تا بیست و هشت مربوط به عملیات در سوریه و عراق است. که از ترجمه آن خودداری گردیده است.

ادامه مقاله در شماره بعدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی